

نقاشی؛ گفتگوی بی کلام (۲)

سعیده رحیمی / الهام شاه‌پسندی

در مقاله نشریه پیشین، نقاشی کودک، زبانی برای بیان ناگفته‌ها و راهی برای ابراز و تعادل‌یابی ذهن تعریف شد؛ امکانی برای او تا مسائلی را که به صورت نامنظم در پیرامونش رخ می‌دهد، به شکلی مناسب در ذهن صورت‌بندی کند و نظم دهد. اشاره کردیم که پژوهشگران عملکرد کودک در نقاشی را به خواب و رویا تشبیه کرده‌اند، یعنی کودک حین نقاشی، خود را از ممنوعیت‌ها رهایی‌بخش و ناخودآگاه درباره کشفیات و دلهره‌هایش سخن می‌گوید. پس دستکاری در نقاشی و آموزش دستوری به کودک، علاوه‌بر بستن راه خلاقیت و رشد، او را از سخن گفتن با زبان نقاشی باز می‌دارد. بنابراین، الفبای این زبان را در قالب مراحل مختلف تکامل خط در نقاشی کودکان تشریح کردیم و تا با ساده‌سازی شناخت این زبان، بتوانیم پازلی که کودک از نمادها و المان‌ها می‌سازد را درک کنیم. در این مقاله و مقاله‌های بعدی، ضمن برشماری مجدد مراحل تکامل نقاشی کودک، به تحلیل و تفسیر المان‌هایی که تقریباً با نظم ثابتی در این مراحل مشاهده می‌شود، می‌پردازیم. در مطلب حاضر می‌بینیم چگونه نقاشی کودک، بازتاب‌دهنده تجربه او از مرحله جنینی، سپس استقلال از مادر و نهایتاً میزان حمایتی است که از دنیای بیرون -معمولاً از پدر- دریافت می‌کند.

مرحله اول: سنین ۱۸ ماهگی تا ۲/۵ سالگی. اثرگذاری و خط‌خطی کردن روی کاغذ، که کودک از بازی و تمرین به «واقع‌گرایی اتفاقی» می‌رسد.

مرحله دوم: تکامل خط‌نگاری و شروع طرح‌ریزی است که سنین ۲/۵ تا ۵ سال را شامل می‌شود و با عنوان «واقع‌گرایی نمادین» از آن یاد می‌شود. به این معنا که کودک احساسات خود را به تدریج با شکل‌هایی شبیه به خانه یا خورشید -که لزوماً در صفحه هماهنگی ندارند- بیان می‌کند.

مرحله سوم: تکامل طرح‌ریزی و شروع تصویرگری، که تمایل به واقع‌گرایی در کودک بیشتر می‌شود و تصاویری که با چشم نمی‌بیند اما از وجودشان اطلاع دارد، را می‌کشد. به این نوع نقاشی «واقع‌گرایی عقلی» گفته می‌شود که عموماً سنین ۵ تا ۸ را در بر می‌گیرد.

مرحله چهارم: تکامل تصویرگری از ۸ سالگی تا نوجوانی که «واقع‌گرایی تجسمی» نام دارد. در این دوره از دامنه تغییرپذیری و بازتاب شخصیت کودک کم می‌شود و ناراضیتی کودک را به دلیل ناتوانی در مهارت نقاشی به همراه دارد، که می‌تواند زمان مناسبی برای آموزش نقاشی باشد، البته با روش‌های خلاقانه.

مقاله

مجموعه

۱۰

شکسته و پرننگ نمایانگر شخصیت پیچیده و تا حدی غیر قابل انعطاف است، درحالی‌که خطوط گرد شخصیتی نرم و قابل انعطاف را بازتاب می‌دهد. کودکانی که احساس حقارت و کم‌توجهی در خود دارند، متمایل به کشیدن خطوط کمرنگ هستند و اگر در نقاشی خطوط پرننگ زیاد باشد، نشانه عدم تخلیه هیجانات فرد است. و در نهایت، خطوط مستقیم و نوک تیز عموماً دلیل بر وجود روحیه پرخاشگری است.



شکل ۱

نقاشی‌های تخم‌مرغ شکل

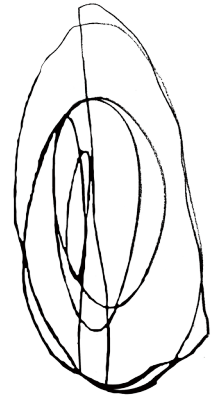
در میان خط‌خطی‌های بدون مرز، به تدریج اشکالی قابل شناسایی است، که در میان آن‌ها ترسیم تخم‌مرغی شکل بیش از همه به چشم می‌خورد. در این مرحله کودک به درک تدریجی از محدودیت کاغذ می‌رسد که کنترل بیشتر او را نشان می‌دهد. شباهت شکل تخم‌مرغ به رحم که معمولاً یک هسته جنینی هم در آن دیده می‌شود، حس امنیت را القامی‌کند. هسته درونی هم نشانگر قسمتی از یک چیز بزرگ‌تر بودن و حمایت شدن است. کودک این تخم‌مرغ را تنها با

نقاشی‌های بدون مرز

(تحلیل نقاشی کودکان در مرحله خط‌خطی)

هرچند کودک در این مرحله واقعا نقاشی نمی‌کند، اما چیزی که رسم می‌کند مهم به نظر می‌رسد. خطوط در این مرحله خمیده، عمودی یا افقی و شبیه یکدیگرند. برخی تحلیل‌گران، نقاشی‌های کودکان بین سنین ۱/۵ تا ۳ سال را با نام نقاشی بدون مرز می‌شناسند، چراکه عموماً خطوط از لبه کاغذ بیرون زده می‌شوند و به صورت تصادفی در تمام جهات به جلو و عقب می‌روند؛ چون کودک به مرز کاغذ توجه ندارد و نمی‌تواند مداد را به راحتی نگه دارد. و از طرفی این شکل خطوط، تداعی‌کننده حرکات غیر ارادی و احساسی جنین در رحم است که در تمام جهات به عقب و جلو تکان می‌خورد. چراکه، جنین در مراحل ابتدایی رشد (تا حدود ۳ ماه پس از لقاح) محدودیت رحم را درک نمی‌کند و حالت ناهشیاری و حس بی‌مرزی را تجربه می‌کند. پس می‌توان این مرحله را بیان جسمانی احساس بی‌مرزی در نظر می‌گیریم. اگر کودکان در سنین بالاتر به کشیدن نقاشی‌های بی‌مرز ادامه دهند، باید نسبت به وجود مشکلاتی در مراحل تحول آن‌ها شک کنیم. حال که دانستیم کودکان نوپا با خط‌خطی کردن بخشی یا تمام صفحه کاغذ لذت بازی کردن را تجربه می‌کنند، دانستن ویژگی این خطوط تا حدی به ما در تحلیل ویژگی‌های ترسیم‌کننده آن کمک می‌کند. به این معنی که خطوط

یک حرکت ترسیم می‌کند و هر چه در این مرحله پیش می‌رود، این هسته بزرگ و بزرگتر می‌شود، تا تمام رحم را پر می‌کند. این شکل هم نشانگر شروع رشد و هم تجربه استقلال از مادر در نتیجه اطمینان از وجود حمایت والد است. اگر نقاشی‌های تخم‌مرغ شکل در دوران پیش دبستان یا کمی بزرگتر ترسیم شود، احتمالاً به دلیل احساس عدم امنیت است و نشان می‌دهد کودک به دنبال امنیت و حمایت می‌گردد.

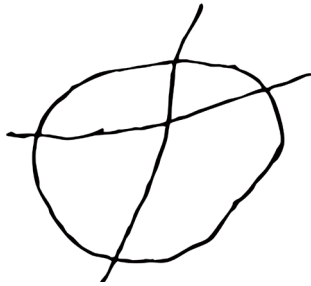


شکل ۲

دایره

بین سنین ۲ و ۳ سال کودک کوشش‌های متعددی برای کشیدن دایره را آغاز می‌کند. دایره از چند دیدگاه اهمیت دارد. توان حرکتی کودک باید تا جایی افزایش یابد که بتواند مداد را در دست بگیرد و یک دایره بسته بکشد؛ و از منظر شناختی، کودک نیاز دارد فضایی کافی برای کشیدن دایره را تخمین بزند. کشیدن دایره همراه با این احساس است که او شخصیت منحصر به فرد دارد و مرز بین خود و محیط اطراف را کشف می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که بین خواسته او و مادر (یا دنیای بیرون) تفاوت وجود دارد. دایره و حلقه هر دو نماد بستگی و تعلق هستند، که به کودک احساس امنیت می‌دهند. اگر کودکی در نقاشی‌های خود دایره نکشد، باید بررسی کرد که آیا می‌تواند در حلقه دوستانش بازی کند، یا این که ترجیح می‌دهد در حاشیه نظاره‌گر باشد. این‌ها تجارب مهم اجتماعی هستند که نیاز عمومی بشر به تعلق را نشان می‌دهد. تحلیل‌گران، شکل‌گیری همزمان احساس منحصر به فرد بودن و احساس تعلق در این مرحله از رشد را با توأم شدن احساس تنهایی و نیاز به

ارتباط با دیگران، مرتبط می‌دانند. پس کودک مراحل رشد خود، شامل استقلال از مادر و تمیز و تشخیص منحصر به فرد بودن خود و درعین حال نیاز به تعلق داشتن به اجتماعی از انسان‌ها را در نقاشی به تصویر می‌کشد.



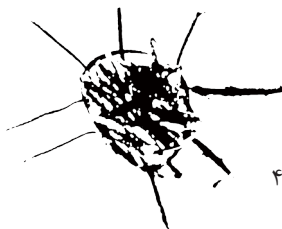
شکل ۳

اشعه خورشید

(یک دایره با خط‌هایی شعاعی که بر لبه دایره کشیده شده است)

کودک همزمان یا بعد از ترسیم دایره، شروع به کشیدن خورشید می‌کند. ترسیم اشعه‌ها مقدم بر قرص خورشید است. معمولاً کودک نوپای سه ساله به این نقاشی معنای خورشید نمی‌دهد، بلکه ممکن است آن را عروسک، عنکبوت یا بادکنک بنامد. در نظریه جدایی - فردیت ماehler، کودک پس از مرحله فردیت، به کشف دنیای بیرون می‌پردازد. در این نوع نقاشی، کودک برای جداکردن اشعه‌ها که از نقطه میانی دایره به سمت خارج کشیده می‌شود، تلاش می‌کند. این تلاش را می‌توان با تلاش کودک برای جدایی از مادر - که از حدود ۹ ماهگی آغاز و به مرور بیشتر می‌شود - قیاس کرد. کودک مادر را ترک می‌کند، ولی می‌خواهد در میدان دید او باقی بماند. این بدان معناست که کشف دنیا برای کودکان از نقطه مرکزی ایمن رخ می‌دهد.

به مرور، نقاشی دایره با اشعه‌ها به نماد خورشید تبدیل می‌شود که در آن اشعه‌ها از لبه‌ها به بیرون کشیده می‌شود. حدود ۴ سالگی، کودکان با هشیاری بیشتر نقاشی می‌کشند. نخست به‌طور تصادفی خورشید در تمام صفحه کشیده می‌شود، اما در ۴ سالگی (اگر ثباتی وجود داشته باشد) خورشید در مکانی ثابت در بالای صفحه، سمت چپ، وسط یا راست قرار می‌گیرد. در مرحله‌ای که همواره یک چهره برای خورشید کشیده می‌شود، کودک نسبت به دنیای اطراف خود هشیار شده است و حسی از اطمینان و گرمی وجود دارد. نیاکان ما مطمئن نبودند که آیا خورشید هر روز صبح طلوع خواهد کرد، همانطور که کودک در مرحله نخست زندگی اطمینان ندارد مادر پس از این که می‌رود، باز می‌گردد. اگر کودک قادر شود مادر را به یاد آورد و بداند او در جایی دیگر است، جدایی می‌تواند آغاز شود و کودک قادر است با احساس امنیت به دنبال کشف دنیا برود. بنابراین، تحلیل‌گران شیوه کشیدن خورشید را، به میزان ترک پیوند با مادر و میزان حمایتی که دنیای بیرون - معمولاً توسط پدر - به دنبال دارد، نسبت می‌دهند. برای همین، عموماً خورشید در نقاشی کودکان را نمادی از پدر تلقی می‌کنیم.



شکل ۴

اگر یک کودک بزرگتر از شش سال، هنوز دایره را با اشعه‌هایی از داخل دایره تا لبه می‌کشد، یا اگر هنوز خورشید را به‌طور تصادفی روی کاغذ نقاشی می‌کند، احتمالاً هنوز به شدت با مادر پیوند دارد. چنین کودکی نمی‌خواهد تنها باشد، کم ابتکار نشان می‌دهد، و نیاز به حمایت مادرانه دارد. به این ترتیب، محققان خورشید را نماد استقلال از مادر، خلاقیت مردانه یا پدر می‌دانند که بسته به شیوه کشیدن آن قابل تفسیر است ...

منابع

- حاجلو، مهناز، (۱۳۸۸). تحلیل نقاشی کودکان. چاپ ششم، تهران: قصیده.
- فاکس، اپلمن، تریز، (۱۳۹۲). نقاشی و بازی کودکان از دیدگاه روان تحلیل‌گری. ترجمه: محمدحسین بحرایی، زهره صیادپور. تهران: ارسباران.